

# آفتاب حقوقی

شنبه ۴ مهرماه ۱۴۰۵ ● سال اول ● شماره ۵۱

## سوالات حقوقی را برای ما بفرستید

شما به طرق زیر می توانید با آفتاب حقوقی ارتباط بگیرید

۱- ایمیل [aftab.yz@gmail.com](mailto:aftab.yz@gmail.com)

۲- واتساپ- بله- تلگرام ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶

برای رعایت حال مخاطبانی که به هیچ یک از موارد بالا دسترسی ندارند تلفن ۰۲۱-۸۸۳۲۸۷۴۳ و ۰۲۱-۸۸۳۲۸۷۴۳ (ساعت ۱۷ لغایت ۲۱) پاسخگو هستیم.

روابط عمومی آفتاب حقوقی

## سرمقاله

## تفاوت اصل شخصی بودن مجازات و اصل فردی بودن مجازات در حقوق کیفری



پیمان حاج محمود عطار  
دکترای حقوق کیفری  
وجرم شناسی، وکیل دادگستری

در ادبیات حقوق جزا، دو اصل «شخصی بودن مجازات» و «فردی بودن مجازات» گاه به اشتباه مترادف یکدیگر پنداشته می شوند؛ حال آن که این دو، از نظر مبنای نظری، کارکرد و قلمرو اجرا، دو نهاد کاملاً متمایز در نظام کیفری اند. یکی ناظر بر مخاطب مجازات است و دیگری ناظر بر محتوای آن. شناخت دقیق این تفاوت، هم برای تحلیل درست آرای قضایی و هم برای دفاع مؤثر در پرونده های کیفری، ضروری است.

۱. اصل شخصی بودن مجازات مفهوم اصل شخصی بودن مجازات، که گاه از آن با عنوان «شخصی سازی سلبی» یاد می شود، بر این قاعده استوار است که مجازات باید منحصرأ بر خود مرتکب جرم اعمال شود و هیچ شخص ثالثی—هرچند از نزدیک ترین بستگان او—نباید متحمل آثار کیفری فعل او گردد. پیشینه و مبنا این اصل واکنشی است به نظام های کیفری کهن که در آن ها مسئولیت جمعی و قبیله ای حاکم بود؛ نظام هایی که در آن ها کل خانواده، طایفه یا قبیله یک متهم می توانستند مورد قصاص، تبعید یا مصادره اموال قرار گیرند. با تحول اندیشه حقوقی و پذیرش کرامت و استقلال فردی انسان، این اصل به عنوان یکی از ارکان عدالت کیفری مدرن تثبیت شد. کارکرد کارکرد این اصل، سلبی است؛ یعنی مرزی تعیین می کند که مجازات نباید از آن فراتر رود. پاسخ به این پرسش را می دهد که «مجازات به چه کسی نباید تحمیل شود؟» نموده در حقوق ایران • عدم توقیف یا مصادره اموال ورثه بابت جرم مورث • سقوط مجازات های تعزیری با فوت محکوم علیه (بر خلاف برخی حقوق مالی مانند دیه یا رد مال که ممکن است بر عهده تر که باقی بماند) • عدم امکان اجرای مجازات بدنی یا سالب آزادی بر شخصی غیر از مرتکب، حتی با رضایت او

۲. اصل فردی بودن مجازات مفهوم اصل فردی بودن مجازات، که آن را «فردی سازی کیفر» نیز می نامند، به این معناست که مجازات باید متناسب با ویژگی های خاص همان مرتکب—شخصیت، سابقه کیفری، انگیزه، شرایط روانی، اجتماعی و اقتصادی—تعیین شود، نه به صورت یکسان و قالبی برای همه کسانی که مرتکب یک عنوان مجرمانه واحد شده اند. پیشینه و مبنا خاستگاه این اصل را باید در آموزه های جرم شناسی نوین و به ویژه مکتب دفاع اجتماعی نوین، با محوریت مارک آنسل، جست و جو کرد. این مکتب بر آن بود که هدف نظام کیفری صرفاً سزادهی نیست، بلکه اصلاح و بازاجتماعی کردن بز هکار نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ هدفی که تنها با شناخت فردیت هر مرتکب قابل تحقق است. کارکرد کارکرد این اصل، ایجابی است؛ پاسخ به این پرسش را می دهد که «مجازات همین شخص باید چگونه تعیین شود؟»

نمودها در حقوق ایران • اختیار دادگاه در تعیین میزان مجازات میان حداقل و حداکثر مقرر قانونی • جهات مخففه موضوع ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی • نهاد تعویق صدور حکم (مواد ۴۰ تا ۴۵ ق.م.ا) • نهاد تعلیق اجرای مجازات (مواد ۴۶ تا ۵۸ ق.م.ا) • لحاظ سن، وضعیت روانی و سوابق شخصی متهم در تعیین نوع تعزیر نتیجه گیری اصل شخصی بودن مجازات، مرز مخاطب کیفر را ترسیم می کند و از تسری آن به غیر مرتکب جلوگیری می کند؛ در حالی که اصل فردی بودن مجازات، محتوای متناسب آن را برای همان مرتکب مشخص می سازد. نخستین اصل، میراثی از عدالت فردی در برابر مسئولیت جمعی است؛ دومی، دستاوردی از جرم شناسی نوین در برابر کیفردهی یکسان و قالبی. درک همزمان این دو اصل، ابزاری کلیدی برای وکیل مدافع در تنظیم لایحه دفاعیه و برای قاضی در صدور حکمی عادلانه و متناسب است.

## مواردی که به موجب

## رأی دادگاه انتظامی قضات تخلف است

۱- صدور رأی صرفاً به استناد نظریه کارشناس مرحله تأمین دلیل.

۲- عدم اظهارنظر نسبت به بعضی از عناوین مطروحه در شکوائیه توسط

بازپرس و دادستان

۳- عدم رسیدگی خارج از نوبت دادگاه نسبت به اعتراض به قرار منع تعقیب

۴- صدور حکم خارج از خواسته و مغایر با ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی.

۵- تجدید بدون عذر موجه جلسات دادرسی.

۶- عدم اخذ آخرین دفاع، عدم تفهیم اتهام و...

۷- عدم توجه به مفاد رأی وحدت رویه صادره از دیوان عالی کشور.

۸- دستور مجدد تحت نظر به مدت ۲۴ ساعت.

۹- عدم ذکر مستند رأی و عدم ذکر وصف قابل تجدیدنظر یا قطعی بودن آن.

۱۰- صدور قرار نامتناسب و طرح سوال تلقینی.

۱۱- تفهیم اتهام (کلاهبرداری) به متهم بدون تفهیم دلایل اتهام.

۱۲- محکومیت انتظامی به لحاظ اخذ تأمین کیفری نامناسب.

۱۳- تجدید جلسه دادرسی بدون ذکر جهت قانونی.

۱۴- صدور قرار ابطال دادخواست به بهانه عدم حضور خواهان در اولین جلسه

دادرسی.

۱۵- صدور دستور موقت مبنی بر عدم اشتغال زوجه، زیرا اولاً موضوع از

اموری نیست که فوریت داشته باشد، ثانیاً نتیجه چنین دستوری (بدون

رسیدگی ماهیتی) یعنی اجرای رأی قبل از صدور آن).

۱۶- با توجه به ماده ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی محکومیت سارق منحصرأ به

پرداخت جزای نقدی و همچنین مردود اعلام داشتن شکایت شاکی در زمینه

رد عین یا مثل یا قیمت اموال مسروقه.

۱۷- صدور حکم بدون احراز ابلاغ وقت به خواننده و ...

۱۸- عدم نظارت قاضی بر امور دفتر در خصوص تعیین وقت رسیدگی و ...

۱۹- حضوری تلقی کردن رأی با وصف عدم ابلاغ واقعی اخطاریه به خواننده و

حضور نیافتن وی در جلسه دادرسی و عدم ارسال لایحه.

۲۱- امتناع قاضی از رسیدگی به پرونده به علت شکایت انتظامی از وی.

۲۱- عدم انجام اقدام قضایی از سوی دادگاه قریب به دو سال اهمال در انجام

وظیفه محسوب.

## تأثیر گمرک

## در صنعت خودرو



مریم کریمیان

رئیس کمیته حقوق قاچاق کالا و ارز سازمان اینسکو

گمرک در ایران فقط یک دروازه عبور کالا نیست؛ بلکه به ابزاری چندلایه برای حمایت از تولید، تأمین درآمد دولت و در عین حال ایجاد گلوگاه در زنجیره تأمین خودرو تبدیل شده است. این نقش دوگانه باعث شده هر تصمیم گمرکی، از تعرفه تا رویه‌های ترخیص، به‌طور مستقیم بر قیمت، کیفیت و حتی سرنوشت تولید خودرو اثر بگذارد.

**تعرفه:** ابزار حمایت یا منبع درآمد؟ تعرفه‌های واردات خودرو در ایران سابقه‌ای پرنوسان دارند. پس از انقلاب و در جنگ، واردات ممنوع شد؛ در دهه ۸۰ با تعرفه ۱۷۰ درصد آزاد شد و قرار بود سالانه ۲۰ درصد کاهش یابد، اما این روند تنها یک سال ادامه یافت. در سال‌های بعد تعرفه‌ها بر اساس شرایط ارزی و درآمدی دولت بارها تغییر کرد و در نهایت در سال ۱۴۰۱ پس از آزادسازی مجدد، تعرفه‌ها از ۱۱ تا ۱۷۱ درصد تعیین شد. نکته کلیدی این است که گمرک در تعیین نرخ تعرفه نقشی ندارد. طبق قانون، وزارت صمت ارزش خودرو را تعیین می‌کند و نرخ تعرفه را دولت تصویب می‌کند؛ گمرک فقط مجری وصول حقوق ورودی بر اساس این مصوبات است. با این حال، همین تعرفه‌های بالا در عمل به دو نتیجه متناقض منجر شده است.

از یک سو، تعرفه بالا قیمت خودروی وارداتی را چند برابر می‌کند. خودرویی که ۲۰ تا ۲۵ هزار دلار قیمت دارد، با تعرفه ۱۰۰ درصدی و هزینه‌های جانبی به بیش از ۴۰ هزار دلار می‌رسد. این افزایش قیمت به بازار خودروهای داخلی و مونتاژی نیز سرایت می‌کند، بدون آنکه کیفیت یا عرضه داخلی بهبود متناسبی داشته باشد.

از سوی دیگر، همین تعرفه‌ها به منبع مهمی برای درآمد دولت تبدیل شده‌اند. در بودجه ۱۴۰۴ حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان درآمد از محل حقوق ورودی خودرو پیش‌بینی شده بود، اما در هشت ماه نخست سال به دلیل ابهام در نرخ ارز و تعرفه، وصولی گمرک

از این محل به کمتر از ۵ هزار میلیارد تومان رسید. وزیر صمت نیز صریحاً اعلام کرده که «برخی مجوزهای خاص واردات برای تأمین درآمدهای دولت صادر شده است». این اعتراف نشان می‌دهد واردات خودرو از یک ابزار تنظیم بازار، به تدریج کارکرد درآمدزایی برای بودجه پیدا کرده است.

**موانع رویه‌ای:** گلوگاه پنهان زنجیره تأمین اگر تعرفه‌ها لبه آشکار سیاست گمرکی هستند، رویه‌های ترخیص لبه پنهان و به مراتب مخرب‌تری برای تولید محسوب می‌شوند. فعالان صنعت خودرو می‌گویند صدور ضمانت‌نامه، دریافت مجوزهای استاندارد و به‌ویژه تغییر سازوکار تعیین ارزش خودرو در گمرک، زمان ترخیص را به شدت افزایش داده است.

بخش عمده این مشکل ناشی از نبود هماهنگی میان وزارت صمت و گمرک در تعیین ارزش قطعات و خودروهاست. سامانه‌ای به نام TCS (بانک اطلاعات ارزش گمرکی) که مبنای محاسبه حقوق ورودی است، در ماه‌های گذشته به دلیل اختلاف داده‌ها میان صمت و گمرک عملاً از کار افتاد و بسیاری از شناسه‌های ارزشی از اعتبار خارج شد. نتیجه این وضعیت، توقف چند هفته‌ای ترخیص قطعات منفصله (CKD) و دپو شدن ده‌ها محموله در گمرکات بود. گمرک نهایتاً با صدور بخشنامه‌ای، ترخیص مشروط با تعهدنامه دو ماهه را مجاز کرد، اما این راه‌حل موقتی است و تا تعیین تکلیف نهایی شناسه‌ها، وضعیت واردات قطعات همچنان مبهم باقی مانده است. این کندی مستقیماً به خط تولید ضربه می‌زند.

خودروسازان و مونتاژکاران خصوصی که به قطعات وارداتی وابسته‌اند، با کمبود مواد اولیه مواجه می‌شوند و برنامه داخلی‌سازی نیز کند می‌شود. گزارش‌ها نشان می‌دهد برخی محموله‌های CKD مدت‌ها در انبارهای گمرک باقی می‌مانند و تولیدکنندگان به دلیل نداشتن نقدینگی کافی برای پرداخت عوارض، قادر به ترخیص نیستند. عامل دیگری که فشار گمرکی را تشدید کرده، افزایش نرخ ارز محاسباتی گمرک است. نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی از ۲۸,۵۰۰ تومان در سال گذشته به حدود ۶۸ تا ۷۰ هزار تومان افزایش یافته است. این تغییر به تنهایی هزینه واردات را برای خودروسازان مونتاژی و قطعه‌سازان چند برابر کرده، بدون آنکه لزوماً کیفیت یا فناوری جدیدی وارد زنجیره شده باشد.

**پیامدهای ساختاری:** انحصار، رانت و کاهش کیفیت

مجموع این سیاست‌ها - تعرفه‌های بالا، رویه‌های کند، نرخ ارز محاسباتی افزایش‌یافته - به سه پیامد ساختاری در صنعت خودرو منجر شده است.

اول، تقویت انحصار داخلی بدون ارتقای رقابت‌پذیری. تعرفه بالا فضای رقابتی را برای خودروسازان داخلی حذف کرده است. خودروی وارداتی حتی با کیفیت پایین‌تر، به دلیل قیمت چند برابر، رقیب جدی برای محصول داخلی نیست. خودروساز داخلی نیز انگیزه‌ای برای بهبود کیفیت یا کاهش قیمت ندارد، چون فشار رقابتی از بیرون وجود ندارد.

دوم، شکل‌گیری رانت در مسیر مونتاژ. در شرایطی که واردات خودروی کامل با تعرفه سنگین و موانع رویه‌ای مواجه است، مسیر مونتاژ (CKD) به گزینه جذاب‌تری تبدیل می‌شود. اما داده‌ها نشان می‌دهد ارزبری هر خودروی مونتاژی در سال ۱۴۰۱ به طور متوسط بیش از ۱۳ هزار دلار بوده، رقمی که چندان با ادعای صرفه‌جویی ارزی سازگار نیست. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که قیمت‌گذاری مبهم و صورت‌های مالی غیرشفاف در شرکت‌های مونتاژکار، باعث فروش خودروها با بهایی تا دو برابر هزینه واقعی می‌شود.

سوم، تضعیف خدمات پس از فروش. افزایش تعرفه و موانع گمرکی، تأمین قطعات یدکی خودروهای وارداتی و مونتاژی را نیز دشوارتر کرده است. در سال‌های اخیر با رشد تولید خودروهای مونتاژی، خدمات پس از فروش متناسب با آن توسعه پیدا نکرده و بسیاری از این خودروها به دلیل گرانی یا کمبود قطعات، مدت‌ها در پارکینگ‌ها متوقف می‌مانند. جمع‌بندی گمرک در صنعت خودروی ایران در عمل به ابزاری برای حفظ انحصار تولید داخلی، تأمین درآمد بودجه و کنترل مصنوعی بازار تبدیل شده است.

تعرفه‌های بالا اگرچه با هدف حمایت وضع شده‌اند، اما نه به ارتقای کیفیت منجر شده‌اند و نه به کاهش قیمت. در عوض، مصرف‌کننده را با خودروهای گران‌تر و کم‌کیفیت‌تر مواجه کرده‌اند. از سوی دیگر، رویه‌های کند و ناهماهنگ گمرکی، زنجیره تأمین قطعات را به گلوگاهی مزمن تبدیل کرده که هر از چند گاه خط تولید را متوقف می‌کند.

اگر هدف واقعی حمایت از صنعت باشد، بازطراحی نظام تعرفه‌ای به گونه‌ای که مشوق افزایش واقعی داخلی‌سازی باشد، و رفع ناهماهنگی میان صمت، گمرک و سازمان استاندارد، پیش‌شرط هر اصلاح ساختاری است.

## جایگاه سوگند در فصل خصومت و کاهش اطاله دادرسی

## پروانه هماوند - حقوقدان

مقررات، از دادگاه درخواست سوگند طرف مقابل را مطرح کند. در چنین وضعیتی، سوگند یا نکول از آن و نیز رد سوگند به طرف مقابل، حسب مورد می‌تواند در تعیین تکلیف دعوا و صدور رأی مؤثر باشد.

بنابراین، مطالبه سوگند از سوی خواهان باید به‌عنوان یک درخواست قانونی و واجد اثر قض مورد توجه قرار قرار گیرد، نه آنکه صرفاً اقدامی تشریفاتی یا کم‌اهمیت تلقی شود. البته استناد به سوگند، تابع شرایط مقرر در قانون است و در تمامی دعاوی یا نسبت به هر موضوعی قابلیت اعمال ندارد. تشخیص امکان توسل به سوگند، نوع سوگند، شخصی که باید آن را ادا کند و آثار امتناع یا رد آن، مستلزم بررسی دقیق موضوع دعوا و سایر ادله موجود در پرونده است. از سوی دیگر، نقش دادرسی در تبیین ظرفیت‌های قانونی این دلیل اهمیت فراوانی دارد. هرگاه شرایط قانونی فراهم باشد، توجه دادگاه به درخواست سوگند و تفهیم آثار حقوقی آن

یکی از عوامل مؤثر در اطاله دادرسی را می‌توان کم‌توجهی به ظرفیت‌های قضاوت اسلامی و ادله شرعی اثبات دعوا دانست. در نظام حقوقی ایران، سوگند صرفاً مفهومی اخلاقی یا آیینی نیست، بلکه در موارد مقرر قانونی، یکی از ادله معتبر اثبات دعوا و وسیله‌ای برای فصل خصومت محسوب می‌شود. قانون‌گذار در کنار ادله‌ای همچون اقرار، اسناد کتبی، شهادت و امارات، برای سوگند نیز جایگاهی مستقل در نظر گرفته و شرایط، قلمرو و آثار آن را مشخص کرده است. بر اساس ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی، «قسم» از ادله اثبات دعواست.

همچنین قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، در فصل مربوط به سوگند، ضوابط استفاده از این دلیل را بیان کرده است. در دعاوی واجد شرایط قانونی، هرگاه خواهان برای اثبات ادعای خود دلیل دیگری در اختیار نداشته باشد، می‌تواند با رعایت

به اصحاب دعوا می‌تواند از بلا تکلیفی پرونده جلوگیری کرده و مسیر فصل خصومت را کوتاه‌تر کند.

چنین رویکردی افزون بر رعایت مبانی فقهی و شرعی، با ضرورت دادرسی منصفانه، صدور رأی مستدل و جلوگیری از اطاله دادرسی نیز هماهنگ است. بااین‌حال، تفهیم و استفاده از سوگند نباید به‌گونه‌ای باشد که اصل بی‌طرفی دادگاه یا حق دفاع طرفین مخدوش شود. دادرسی باید ضمن حفظ بی‌طرفی، تنها در حدود قانون، شرایط و آثار سوگند را برای اصحاب دعوا روشن سازد و از تبدیل این دلیل شرعی به ابزاری برای فشار بر یکی از طرفین اجتناب کند.

در نهایت، احیای ظرفیت‌های مغفول ادله شرعی، به‌ویژه سوگند، می‌تواند در پرونده‌های واجد شرایط به تسریع رسیدگی، کاهش هزینه‌های دادرسی و صدور آرای عادلانه و متقن کمک کند. شایسته است قضات محترم با تأسی از مبانی قضاوت اسلامی و با رعایت دقیق مقررات قانونی، در موارد مقتضی امکان توسل به سوگند و آثار آن را به اصحاب دعوا، به‌ویژه خواهان، تفهیم کنند تا زمینه فصل خصومت بر مبنای موازین شرعی و قانونی فراهم شود.

# آفتاب حقوقی

مدیرمسئول: منصور مظفری ( وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی )

همراه با حقوقدانان (وکلا، کارشناسان رسمی، اساتید و کارآموزان وکالت) در آفتاب حقوقی

## مشاوره های حقوقی در سراسر کشور

( کیفری - حقوقی )



املاک - خانواده - ثبت - جرائم مطبوعاتی - امور گمرکی - مواد مخدر - بورس و اوراق بهادار - رمز ارز - کلاهبرداری - امور مالیاتی  
تصادفات - ضرب و جرح - تهدید - قتل - جعل - نشر اکاذیب - جرائم پزشکی - جرائم اقتصادی - جرائم رایانه ای - ورود به عتق - تصرف عدوانی  
مزاحمت - ممانعت از حق - مشارکت در ساخت - جرائم سازمان یافته - آدم ربایی - سرقت - جعل عنوان - چک - توقیف غیرقانونی - دیه  
تحصیل مال از طریق نامشروع - تعزیرات - کمیسیون ماده ۱۰۰ - منابع طبیعی - محیط زیست - خیانت در امانت - قراردادهای و ...

آفتاب حقوقی از وکلا، کارشناسان رسمی، کارآموزان وکالت، اساتید و دانشجویان حقوق در سراسر کشور جهت ارائه محتوای حقوقی، نقد آرای قضایی و مشاوره حقوقی دعوت به همکاری می نماید

جهت ارتباط و ارائه مشاوره حقوقی و رسانه ای از طریق زیر با ما در تماس باشید

تلفن: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶ و ۰۲۱ - ۸۸۳۲۲۱۶۰ - ۱ ، بله، روبیکا، واتساپ و تلگرام: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶

Aftab.yz@gmail.com

Mozafari.lawyer1970@gmail.com

تهران، خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فر اهانی، کوچه ۲۶، پلاک ۱۰، طبقه اول، واحد ۱

دفتر یزد: بلوار ۲۲ بهمن - ابتدای کوچه اعظم (نماینده: ابوالفضل انتشاری) ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰

## تحلیل رأی دیوان عدالت اداری درباره ابطال بخشنامه دادگستری زنجان

## تمبر مالیاتی و کلا؛ خواسته دعوا یا حق الوکاله؟

پرویز اکبری - قاضی بازنشسته

دقت به دو منبع اصلی قانونی استناد کرده است:

ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم قانون‌گذار به‌صراحت مقرر کرده است که: مبنای ابطال تمبر، رقم حق‌الوکاله مندرج در وکالت‌نامه است و میزان آن پنج درصد حق‌الوکاله می‌باشد. نه «خواسته دعوا»، نه «بهای خواسته» و نه «برداشت ذهنی دادگاه»؛ بلکه آنچه وکیل و موکل بر آن توافق کرده‌اند.

ماده ۳ آیین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله (۱۳۹۸) در این ماده، با شفافیت آمده است: مبلغ علی‌الحساب دریافتی از موکل، مبنای ابطال تمبر علی‌الحساب مالیاتی است. این حکم، عامدانه و آگاهانه از سوی رئیس قوه قضاییه وضع شده تا به اختلافات پیشین پایان دهد و از تحمیل هزینه‌های غیرواقعی به وکلا جلوگیری کند. خطای اساسی بخشنامه زنجان چه بود؟ بخشنامه مورد ابطال، مرتکب سه خطای جدی حقوقی شده بود: تسری نادرست قواعد هزینه دادرسی به مالیات و کلامواد ۶۱ و ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، صرفاً برای هزینه دادرسی و قابلیت رسیدگی وضع شده‌اند و قابل تعمیم به حوزه مالیات نیستند.

نقض اصل قانونی بودن اخذ مالیات هیچ مقام اداری - حتی قضایی - حق ندارد خارج از نص قانون، مبنای جدیدی برای اخذ مالیات تعریف کند. نقض اصل تساوی (اصل ۱۹ قانون

یکی از چالش‌های قدیمی وکلا در مواجهه با دفاتر دادگاه‌ها، نحوه محاسبه و ابطال تمبر مالیاتی بر وکالت‌نامه بوده است؛ چالشی که گاه از حد اختلاف برداشت حقوقی عبور کرده و به تعارض رویه، فشار اداری و حتی تضییع حقوق وکلا انجامیده است. رأی شماره ۲۲۰۱۲۵۷ مورخ ۲۷/۸/۱۴۰۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نقطه پایان روشنی بر یکی از این اختلافات مهم گذاشته و از این حیث، رأیی آموزنده هم برای وکلا و هم برای عالی‌مقامان قضات و مدیران قضایی محسوب می‌شود. مسأله چه بود؟

دادگستری استان زنجان طی بخشنامه‌ای، دفاتر دادگاه‌ها را مکلف کرده بود که در دعاوی مالی، حداقل تمبر مالیاتی وکیل را نه براساس حق‌الوکاله مندرج در وکالت‌نامه، بلکه بر مبنای خواسته دعوا یا بهای تقویم‌شده آن محاسبه و اخذ کنند؛ حتی اگر وکیل در عمل مبلغی کمتر یا صرفاً علی‌الحساب دریافت کرده باشد. این بخشنامه در عمل به این معنا بود که:

وکیل باید برای پولی که هنوز نگرفته تمبر ابطال کند؛ میان وکلای استان زنجان و سایر استان‌ها تبعیض آشکار ایجاد شود؛ توافق خصوصی وکیل و موکل، که قانون آن را معتبر شناخته، نادیده گرفته شود. مبنای قانونی تمبر مالیاتی چیست؟ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی خود، با

پیمانکار است.

## این الزامات شامل موارد زیر است:

ارزیابی اثرات: انجام مطالعات ارزیابی اثرات زیستمحیطی (EIA) و ارائه طرح مدیریت زیستمحیطی پیش از شروع عملیات ضروری است.

استانداردها: پیمانکار موظف است عملیات را با رعایت بالاترین استانداردهای ایمنی، بهداشت و محیط زیست و مطابق با قوانین ملی و بین‌المللی انجام دهد.

پسماند و آلودگی: تولید زباله و پسماند باید به حداقل برسد و در صورت بروز آلودگی یا نشت، پیمانکار ملزم به پاکسازی به هزینه خود است. محرمانگی و حفاظت از اطلاعات حفاظت از اطلاعات فنی و مخازن از اهمیت بالایی برخوردار است.

در قراردادهای جدید نفتی (IPC)، پیمانکار موظف است تمامی اطلاعات، نقشه‌ها و گزارشهای فنی را محرمانه تلقی کرده و بدون اجازه کتبی شرکت ملی نفت افشا نکند. پیش از دسترسی به اطلاعات مخازن، امضای سند رازداری (Confidentiality Agreement) الزامی است.

حل اختلاف فرآیند حل اختلاف معمولاً به صورت مرحله‌ای تعریف میشود: ابتدا تلاش برای حل و فصل از طریق مذاکره و تفاهم، و در صورت عدم حصول نتیجه، ارجاع موضوع به مراجع حل اختلاف پیشبینی شده در قرارداد (مانند دادگاههای صالحه ایران یا داوری). در نهایت، موفقیت یک قرارداد نفتی به طراحی دقیق این الزامات و ایجاد تعادل میان منافع کارفرما (حفظ حاکمیت و منابع) و پیمانکار (نرخ بازگشت سرمایه و مدیریت ریسک) بستگی دارد.

## الزامات قراردادی قراردادهای نفت و گاز



السا سنگاری  
وکیل پایه یک دادگستری

شرایط خصوصی: برای تعیین تکلیف مواردی که در شرایط عمومی به آن ارجاع داده شده، استفاده میشود (مانند میزان تضمین، مدت استفاده از نیروی خارجی، زبان مکاتبات). پیوستها: شامل شرح کار، تعهدات طرفین، اسناد فنی و روشهای پرداخت است.

قوانین و زبان حاکم قانون حاکم: در قراردادهای ایرانی، قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران بر پیمان حاکم است و مرجع حل اختلاف در صورت عدم توافق، دادگاههای صالحه ایران هستند. زبان: در مواردی که متون قراردادی به دو زبان تنظیم شده باشد، زبان فارسی ملک عمل است. زبان مدارک فنی و مکاتبات نیز در شرایط خصوصی مشخص میشود.

مکانیزمهای مالی و پرداخت تضامین: پیمانکار ملزم به ارائه تضمینهای پیشپرداخت، حسن اجرای کار و انجام تعهدات است که میزان و شرایط آزادسازی آنها در شرایط خصوصی تعیین میشود.

پرداخت و جبران خسارت: روشهای پرداخت و محاسبه جرائم تأخیر (اعم از تأخیر کارفرما یا پیمانکار) در پیوستهای قرارداد مشخص میشود.

پاداش و انگیزه: دستمزد پیمانکار باید متناسب با شرایط طرح، جبران ریسک و ایجاد انگیزه برای بهکارگیری فناوریهای نوین و افزایش ضریب باز یافت باشد. الزامات زیستمحیطی، ایمنی و اجتماعی (ESHA) رعایت الزامات زیستمحیطی یکی از تعهدات کلیدی

قراردادهای نفت و گاز، به‌ویژه در بخش بالادستی، به دلیل ماهیت بلندمدت، ریسکهای بالا و سرمایه‌بر بودن، از پیچیده‌ترین و فنی‌ترین انواع قراردادها محسوب میشوند. الزامات قراردادی در این حوزه را میتوان در قالب محورهای کلیدی زیر دسته‌بندی کرد: حاکمیت و مالکیت دولتی یکی از اصول بنیادین در قراردادهای نفتی ایران، حفظ حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع هیدروکربوری است. بر اساس قوانین بالادستی، کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروتهای عمومی محسوب میشوند و اعمال حق حاکمیت بر آنها بر عهده وزارت نفت است. در این چارچوب، نفت و گاز تولیدی و هرگونه فراورده جانبی، کالای متعلق به کارفرما (شرکت ملی نفت) محسوب میشود و پیمانکار تنها به عنوان مجری عملیات فعالیت میکند.

ساختار و ارکان قرارداد قراردادهای بالادستی معمولاً از چند سند تشکیل شده‌اند که در کنار یکدیگر چارچوب توافق را می‌سازند

: موافقتنامه: مشخصات اصلی طرفین، موضوع، مبلغ و مدت پیمان در آن درج میشود.

شرایط عمومی: مفاد ثابت و غیرقابل تغییری که حاکم بر پیمان است.